



روایت امید و ایثار در روز ملی اهدای عضو از زبان کسانی که به زندگی دوباره لبخند زدند

قلبی به وسعت بخشش



کرونا شروع شد. عسل، فرزند سوم، در کلاس سوم دبستان بود که دوبار به کرونا مبتلا شد و شرایط سختی را گذراند. قبل از آن هیچ مشکلی نداشت، اما تیرماه، دچار تپش قلب شد. حتی نمی توانست آب دهانش را قورت بدهد. چند روز بعد در بیمارستان، بعد از آکو، پزشکان گفتند فوراً باید به تهران اعزام شود. در بیمارستان شهید رجایی متوجه شدیم فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد قلب عسل کار می کند. آن روز دنیا روی سرم خراب شد. فکرمی کردم شاید با باتری قلب مشکل حل شود، اما پزشکان گفتند تنها راه، پیوند قلب است، شب‌ها به خدا التماس می کردم که معجزه‌ای رخ دهد. هر روز دعا می کردم که قلب فرشته‌ای به دخترم هدیه شود.»

آمدن فرشته نجات

بعد از ۸۲ روز انتظار، عسل صاحب قلبی شد که از دختری ۹ ساله در خوزستان آمده بود. هواپیما قلب را به مهرآباد رساند و هلیکوپتر آن را به بیمارستان منتقل کرد. مادر می گوید: «وقتی از پنجره بیمارستان، هلیکوپتر را دیدم، حس عجیبی داشتم؛ انگار فرشته نجات آمده بود. قلب با موفقیت به عسل پیوند زده شد و انگار دخترم دوباره متولد شد. در مدتی که در بیمارستان بستری بود با دختری به نام الناز دوست شده بود که او هم منتظر پیوند قلب بود. آن دوستی هنوز ادامه دارد. بارها از پزشکان پیگیر شدم تا با خانواده‌ای که اعضای بدن عزیزشان را اهدا کرده‌اند آشنا شوم ولی اطلاعاتی به من ندادند. فقط می دانم در همان روزی که دخترم پیوند شد دختری ۹ ساله‌ای در خوزستان مرگ مغزی شده بود و قلب این دختر به تهران منتقل و به عسل پیوند زده شد. دخترم بعد از پیوند، ۱۰ آبان مرخص شد. حالا باید دارو مصرف کند، ولی هزینه داروها بسیار سنگین است. با وجود همه سختی‌ها، خانواده ما داوطلب اهدای عضو شده است اگر روزی برایمان اتفاقی افتاد، اعضای بدنمان نجات‌بخش زندگی دیگران شود.

معجزه اهدای عضو

الهه حداد، مادر عسل، از روزهای نفس گیر و سخت آن دوران می گوید: «همه چیز از دوران

مرگ همیشه به معنای پایان نیست و مناسبتی همچون امروز که روز ملی اهدای عضو نام گرفته، این حقیقت را بیش از هر زمان دیگری یادآور می شود. گاهی مرگ تلخ یک انسان آغاز دوباره زندگی تازه‌ای است برای کسانی که چشم به راه هستند. درست مثل عسل و الناز؛ دو دختر نوجوان که حالا هر تپش قلب‌شان صدای امید است.

قلب‌هایی که با ایثار دو خانواده به آنها پیوند زده شد. در روز ملی اهدای عضو، قصه آنها مثل نوری است که در دل تاریکی می درخشد. آن سو قصه دختری است که نرفت تا تمام شود، رفت تا دیگری بعد از او بماند. سمیرا، نوعروس جوانی که مرگ را زندگی بخش کرد، با بخشش اعضای بدنش، نه تنها خانواده‌هایی را از سوگ نجات داد، بلکه انسان‌های خسته از سال‌ها درد و رنج را دوباره به زندگی برگرداند. اینجا مرگ، نقطه پایان نیست؛ زندگی همچنان ادامه دارد.

نوزده ماه از آن روزهای سخت می گذرد؛ روزهایی که خانواده‌ای چشم به راه قلبی بودند تا زندگی دوباره‌ای به فرزندشان ببخشند. مادر هنوز لحظه به لحظه آن روزها را به خاطر دارد: روزهای بیم و امید، روزهایی که هر تماس تلفنی ممکن بود نوبدبخش قلبی اهدایی باشد، و شاید همان قلب، عسل را به زندگی بازگرداند. مادر آن روزها را به خوبی به یاد دارد. روزهای بیم و امید. روزهایی که با هر تماس دلش گرم می شد که یک بیمار مرگ مغزی اعضای بدنش را اهدا کرده است و شاید قلب اهدایی زندگی دوباره‌ای به عسل بدهد. ۸۲ روز برای این مادر و دختر سخت گذشت اما پایان آن شیرین بود. قلب

۴ سولماز قنبرزاده/ اهدا کننده



می داند اهل ترکمن صحرا بوده، زندگی تازه‌ای به او داد. آن جوان در تصادف همراه نامزدش دچار مرگ مغزی شد و خانواده‌اش تصمیم گرفتند اعضای بدنش را اهدا کنند. حالا الناز با تمام وجود مراقب قلبی است که در سینه‌اش می تپد. او روایت خود را این گونه آغاز می کند: «در کودکی بخشی از دیواره قلبم سوراخ بود که ترمیم شد و مشکلی نداشتیم. برادرم چند سال پیش با بیماری قلبی از دنیا رفت. اما هیچ وقت فکر نمی کردم من هم مشکل قلبی پیدا کنم. دو سال قبل بعد از سفر، علائم بیماری ظاهر شد. به پزشک متخصص قلب در آمل مراجعه کردم و بعد از آکوی قلب گفت فقط ۱۰ درصد قلب من کار می کند. با توصیه پزشک فوراً به تهران آمدم و در بیمارستان شهید رجایی بستری شدم. الناز ادامه می دهد: «در بخش قلب با بچه‌ها دوست شدم. با عسل هم آنجا آشنا شدم. هرچند روز یکی از بچه‌ها می رفت؛ به ما می گفتند پیوند شده، اما واقعیت چیز دیگری بود. وقتی روانشناس بیمارستان گفت تنها راه ادامه زندگی پیوند است، فهمیدم تنها امیدم فقط یک قلب است. روزهای خیلی سختی بود. نمی دانستم که این قلب چطور و از کجا باید برای من مهیا شود. اما بالاخره دو ماه بعد، پیوند انجام شد و بعد از ۱۵ روز در آیزوله، مرخص شدم.»

او هم مثل مادر عسل، دلش می خواهد خانواده اهداکننده را از نزدیک ببیند: «دل‌م می خواهد از صمیم قلب از آنها تشکر کنم. شاید هیچ کس مثل من معنای اهدای عضو را درک نکند. به همه توصیه می کنم داوطلب اهدای عضو شوند؛ این بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که می شود بعد از مرگ داد.»

عروسی که به زندگی جان بخشید

چشن نفس، جایی است که مادر سولماز آرام می گیرد. با چشمانش میان جمعیت به دنبال کسی می گردد که شاید قلب دخترش در سینه‌اش می تپد. توران از بزرگ‌ترین تصمیم زندگی‌اش و اهدای اعضای بدن دخترش این گونه می گوید: «سولماز ۲۴ سال داشت. ورزشکار بود و فارغ التحصیل

رشته حقوق. قرار بود شهریور عروسی کند و تیرماه مشغول چیدن جهیزیه بود، اما سرنوشت طور دیگری رقم خورد. از هیجان زیاد دچار تشنج شد. اورژانس دیر رسید و کمبود اکسیژن باعث شد مرگ مغزی شود. وقتی پزشکان گفتند دخترم مرگ مغزی شده، دنیا برایم تمام شد. متخصص پزشکی قانونی بعد از معاینه دخترم گفت اگر اعضای بدن دخترتان به دیگران اهدا شود، چند مادر دیگر از چشم‌انتظاری نجات می یابند. تصمیم بسیار سختی بود. چهره مادرانی که چشم انتظار هستند تا با پیوند عضو حیاتی زندگی دوباره‌ای به عزیزان‌شان هدیه شود مقابل چشمانم قرار داشت. مادر بودم و حال آنها را درک می کردم. سرانجام تصمیم گرفتم و قلب، کلیه‌ها، کبد، ریه و نسوج بدنش را اهدا کردم.»

توران از دل‌نگانی‌اش برای شنیدن صدای قلب دخترش این گونه می گوید: «دلم می خواهد کسی را که قلب دخترم در سینه او می تپد از نزدیک ببینم و صدای قلب دخترم را بشنوم. دخترم پر از شوق زندگی بود. کارت اهدای عضو داشتم، اما فکر نمی کردم این تصمیم روزی به اسم دخترم ثبت شود. حالا می دانم او در جسم انسان‌های دیگری زندگی می کند.»



یک کارشناس اقتصادی تأکید کرد:

ارتقای سطح عدالت اجتماعی و شفافیت در نظام مالیاتی

یک کارشناس اقتصادی گفت: مالیات‌ستانی عادلانه مبتنی بر توسعه حسابرسی سیستمی و به کار انداختن درآمد‌های مالیاتی در راستای ارائه خدمات به مردم با مشارکت خود آن‌ها در تعیین مصرف مالیات می‌تواند راهکاری برای ارتقای سطح عدالت اجتماعی و شفافیت در نظام مالیاتی کشور باشد.

داوود صادقی، کارشناس اقتصادی در رابطه با اهمیت نظام مالیاتی شفاف و عادلانه و عملکرد دولت چهاردهم در زمینه تحقق این مسیر گفت: طی سال‌های اخیر اصلاح نظام مالیاتی کشور با جدیت در دستور کار قرار گرفت. این در حالی است که در گذشته توجهی به وصول درآمد‌های مالیاتی دولت نداشتیم و فرار مالیاتی قابل توجهی در کشور رقم می‌خورد.

وی افزود: برخلاف تصور عموم، دریافت مالیات فقط به لحاظ افزایش درآمد‌های دولت اهمیت ندارد. مالیات ابزاری در راستای ایجاد عدالت اجتماعی در کشور و تنظیم‌گری

امور است. مالیات‌ستانی عادلانه مبتنی بر توسعه حسابرسی سیستمی و به کار انداختن درآمد‌های مالیاتی در راستای ارائه خدمات به مردم با مشارکت خود آن‌ها در تعیین مصرف مالیات می‌تواند راهکاری برای ارتقای سطح عدالت اجتماعی و شفافیت در نظام مالیاتی کشور باشد.

این کارشناس اقتصادی در ادامه افزود: از طرف دیگر، دولت می‌تواند با استفاده از ابزار مالیات بر جذابیت بخش‌های مولد بیافزاید و فعالیت‌های واسطه‌گری و مخرب را از رونق ببیدازد. در همین راستا، هوشمندسازی نظام مالیاتی کشور می‌تواند به شفافیت بیشتر روندها بیانجامد و زمینه‌ای برای حمایت از تولید به وجود بیاورد.

صادقی در ادامه با اشاره به دیگر مزایای تحقق عدالت مالیاتی با تکیه بر دو طرح اجرایی سازمان امور مالیاتی در سال ۱۴۰۳ گفت: هوشمند و سیستمی شدن نظام مالیاتی کشور

با طرح نشان دار کردن مالیات صورت گرفت؛

مشارکت مردم در تعیین سرنوشت مالیات‌ها

طرح‌نشان دار کردن مالیات‌ها یکی از نوآوری‌های مهم نظام مالیاتی ایران در سال‌های اخیر به حساب می‌آید. این طرح به منظور افزایش شفافیت در روند هزینه‌کرد منابع مالیاتی و همچنین جلب مشارکت و اعتماد عمومی نسبت به نظام مالیاتی کشور طراحی شده است. اجرای این طرح می‌تواند زمینه‌ساز دگرگونی مثبت در رابطه میان دولت و شهروندان باشد.

در طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها، اقدامی متفاوت در نظام مالیاتی کشور صورت گرفته است؛ بدین معنا که مالیات‌دهندگان هنگام پرداخت مالیات می‌توانند به‌طور مستقیم تعیین کنند که مبالغ پرداختی‌شان در کدام پروژه‌های خاصی به حوزه‌های مورد علاقه‌شان هزینه شود. این پروژه‌ها ممکن است شامل مواردی نظیر توسعه زیربنای شهری، حمایت از آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، پروژه‌های محیط زیستی و سایر خدمات عمومی باشد که توسط دولت و نهادهای عمومی اجرا می‌شود

اهداف و مزایای طرح

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که سازمان امور مالیاتی اهداف زیادی را برای اجرای طرح نشان دار کردن مالیات عنوان کرده است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

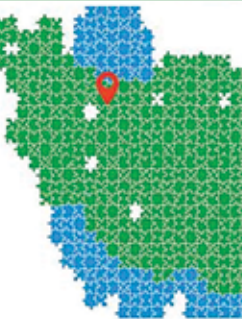
- افزایش شفافیت و پاسخگویی: یکی از مهمترین اهداف این طرح، شفافیت‌بخشی به فرآیند مالیات‌ستانی است. وقتی مردم بدانند مالیات‌شان دقیقاً کجا هزینه می‌شود، شفافیت به بالاترین حد خود می‌رسد.
- مشارکت مردمی فعال: اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها سبب می‌شود فرهنگ مسؤلیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی تقویت شود. مردم هنگام پرداخت مالیات احساس می‌کنند که در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه کشور سهیم هستند.
- افزایش سرمایه اجتماعی: شفافیت و اعتماد دو اصل اساسی برای افزایش سرمایه اجتماعی هستند. این طرح با تقویت این مفهوم، زمینه نزدیکی بیشتر

مردم و دولت را فراهم می‌کند.

- توزیع عادلانه منابع: با دادن حق انتخاب به مالیات‌دهندگان درباره محل هزینه‌کرد سهم مالیاتی، عدالت در توزیع منابع مالیاتی تا حدود زیادی تحقق می‌یابد و مناطق کمتر برخوردار هم می‌توانند از این رهگذر بهره‌مند شوند.
- افزایش اعتماد عمومی: اعتماد عمومی به عنوان اصلی‌ترین سرمایه اجتماعی، شدیداً از نحوه هزینه‌کرد مالیات‌ها تأثیر می‌پذیرد. شفافیت

خودت انتخاب کن

مالیات کجا هزینه بشه



ایجاد شده در این طرح می‌تواند رضایت‌مندی بیشتری را نسبت به عملکرد دستگاه‌های اجرایی پدید آورد. بد نیست بدانیم در فرآیند اجرایی این طرح، فهرستی از پروژه‌ها و زمینه‌های عمومی هزینه‌ای که قابلیت تخصیص مالیات به آن‌ها وجود دارد تعیین می‌شود.

هنگام پرداخت مالیات، فرد می‌تواند از میان این فهرست، یک یا چند زمینه خاص را به دلخواه خود انتخاب کند تا سهم مالیاتی او به همان حوزه‌ها

مالیاتی خاطرنشان کرد: سال گذشته بیش از ۷۰ درصد حسابرسی اظهارنامه اشخاص حقوقی به صورت هوشمند و سیستمی صورت گرفت. ۹۵ درصد از مودیان بخش مالیات بر عملکرد نیز اظهارنامه خود را به‌صورت سیستمی ثبت کردند. این افزایش چشمگیر داده‌محوری و

قطعی کردن بیش از ۹۵ درصد اظهارنامه مودیان به شکل سیستمی و هوشمند بدون مراجعه به دفاتر مالیاتی، گامی بزرگ در راستای تحقق دولت هوشمند و بهبود کارایی دستگاه‌های اجرایی است که در کمتر دستگاهی این نوع از هوشمندسازی وجود دارد.

اختصاص داده شود. نهایتاً گزارش عملکرد هزینه‌کرد این بخش به‌صورت شفاف در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد.

بازخوردها و نتایج اولیه

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، این طرح با استقبال مناسبی از سوی مردم و رسانه‌ها روبه‌رو شده است. بسیاری از شهروندان معتقدند اجرای این طرح منجر به افزایش حس تعلق و اعتماد نسبت به دولت و نظام مالیاتی می‌شود. همچنین برخی کارشناسان عقیده دارند که با اجرای این طرح، فرهنگ پرداخت مالیات در کشور تقویت خواهد شد و شاهد ارتقای سطح عدالت و توسعه منطقه‌ای خواهیم بود.

البته موفقیت این طرح مستلزم وجود بسترهای فناوریانه جهت ثبت انتخاب‌های مالیات‌دهندگان و گزارش‌دهی شفاف و به موقع هزینه‌کرد است. ضروری دیگر شود و توازن در تأمین مالی طرح‌های ملی حفظ گردد.

در همین خصوص صادق عبدالحسینی، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با ایران می‌گوید: این طرح را می‌توان یک گام مثبت و سازنده در راستای شفاف‌سازی و جلب مشارکت اجتماعی دانست. زمانی که مالیات‌دهندگان بتوانند انتخاب کنند که

مالیات‌شان دقیقاً در چه حوزه‌هایی هزینه شود، حس مسؤلیت‌پذیری و اعتماد مردم به نظام مالیاتی افزایش پیدا می‌کند.

وی در پاسخ به این سؤال که این طرح چه تأثیری بر توزیع عادلانه منابع مالیاتی خواهد داشت، اظهار کرد: به‌طور قطع، با این روش مردم می‌توانند به‌صورت مستقیم در اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی و خدماتی نقش داشته باشند. این موضوع نه تنها به توزیع عادلانه‌تر منابع کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود بخش‌هایی که نیاز بیشتری دارند، سهم بیشتری از درآمد‌های مالیاتی دریافت کنند.

وی در پایان نیز به چالش‌های این طرح پرداخت و گفت: مانند تمام طرح‌های نو، چالش‌هایی نظیر ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم، آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم و تصمیم گزارش‌دهی شفاف وجود دارد. اما اگر این موانع به‌درستی مدیریت شوند، قطعاً شاهد موفقیت طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها خواهیم بود.

جمع‌بندی

در نهایت، طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها گام مهمی در مدرن‌سازی و مردمی‌سازی نظام مالیاتی به شمار می‌رود و ظرفیت بالایی برای ارتقای اعتماد و مشارکت عمومی دارد. اگر این طرح به درستی و شفافیت کامل اجرا شود، می‌تواند الگویی برای افزایش عدالت مالی و نظارت اجتماعی بر منابع عمومی کشور باشد.